

✂ خبراवल

توليد مشترک راه ورود به بازارهای جهانی

رئیس سازمان سینمایی در نشست تشریح دستاوردهای اجلاس روسای سینمایی کشورهای منطقه در تهران یکی از راه‌های ورود به بازارهای جهانی را تولید مشترک دانست و بر همکاری با کشورهای منطقه تأکید کرد. به گزارش «شهروند»، در نشست تشریح دستاوردهای اجلاس روسای سینمایی کشورهای منطقه در تهران با حضور کشورهای ایران، روسیه، ارمنستان، تاجیکستان، ازبکستان و قرقیزستان؛ محمد خزاعی گفت: «سینما می‌تواند خیلی از کشورها را به هم نزدیک کند. کشورهای منطقه در این سال‌ها در حوزه سینما کمتر مورد توجه بوده‌اند و جلسات کمی در این حوزه برگزار شده است. بر همین اساس در یک سال گذشته در سازمان سینمایی سفرهایی به کشورها داشتیم و تفاهم‌نامه‌هایی نوشته شد. تا امروز ۱۰ کشور درخواست تولید مشترک برای ما ارسال کردند که در فارابی در حال بررسی است و در سال ۱۴۰۳ براساس بودجه‌ای که داریم، این طرح‌ها را بررسی می‌کنیم. روسیه، لبنان، چین، ازبکستان، پاکستان، ارمنستان، ژاپن و کره جنوبی از جمله کشورهایی هستند که درخواست تولید مشترک داشتند. این سرآغاز یک اتفاق خوب است برای سینمای ما.» به گفته محمد خزاعی، «اگر بخواهیم از این مرحله عبور کنیم و اقتصاد سینمای ما تقویت شود، باید وارد بازارهای جهانی شویم و یکی از راه‌های ورود به بازار جهانی تولید مشترک است. نگاه ویژه‌ای در دنیا به سینمای ایران وجود دارد، اما در زمینه اقتصاد سینما در آن سوی مرزها به موفقیت‌های چشمگیری دست پیدا نکردیم. زبان مشترک فرهنگی و تولید مشترک باید مورد توجه قرار گیرد. دومین راه نیز این است که زبان مشترک بین‌الملل داشته باشیم و با آنها گفت‌وگو شود. اما این نکته هم وجود دارد که به دلیل تحریم‌های فرهنگی، گاهی این اتفاق نمی‌افتد و پخش‌کننده فیلم‌های ایرانی را قبول نمی‌کنند. سال گذشته گروه‌هایی به‌شدت علیه ایران اقدام کردند و این موضوع سینمای ایران را کمی تحت تأثیر قرار داد. در همین شرایط، جالب است بدانید که ما در ۱۰ سال گذشته ۲۳ فیلم تولید مشترک داشته‌ایم. این تفاهمنامه آغازی است که ما در عرصه‌های بین‌المللی و مخصوصاً در منطقه حضور جدی‌تری داشته باشیم.»

✂ وداع

تشییع پیکر ایرج تنظیفی، نقاش و مجسمه‌ساز

مراسم بدرقه پیکر ایرج تنظیفی از بنیانگذاران هنر مدرنیسم در ایران، امروز ۲۳ بهمن از مقابل خانه هنرمندان ایران برگزار می‌شود. به گزارش خبرگزاری مهر، پریس تنظیفی، فرزند ایرج تنظیفی، عنوان کرد که پیکر استاد ایرج تنظیفی، امروز ساعت ۹ صبح با حضور هنرمندان و اعضای انجمن هنرمندان نقاش ایران و انجمن مجسمه‌سازان ایران از مقابل خانه هنرمندان ایران تشییع و سپس در قطعه هنرمندان بهشت زهرا(س) به خاک سپرده می‌شود. تنظیفی متولد ۱۳۱۷ گرگان و تحصیلکرده دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران بود که جمعه ۲۰ بهمن ۱۴۰۲ چشم‌از جهان فروبست. نقاشی‌های زنده‌ای ایرج تنظیفی به‌صورت نقش برجسته روی تخته و مجسمه‌هایش اوج مکتب سقاخانه‌است.



۱۱

دوره چهل و دوم جشنواره فیلم فجر نیز مثل دوره‌های گذشته بود. جشنواره‌ای با چهار- پنج فیلم خوب، چند فیلم متوسط و انبوه فیلم‌های بد و ضعیفی که حضورشان در جشنواره شگفت‌انگیز به نظر می‌رسید. به‌خصوص که گفته می‌شد این فیلم‌ها از بین صدوچند فیلم متقاضی حضور در جشنواره انتخاب شده‌اند و این ناامیدکننده بود که فیلم‌های حاضر در بخش رقابتی جشنواره را عصاره و چکیده بهترین‌های سینمای ایران در یک سال اخیر بدانیم. اما فارغ از این جوزدگی و نگرانی مقطعی؛ وقتی دیگر دوره‌های جشنواره -حتی آن دوره‌هایی را نیز که به بهترین دوره‌های تاریخ جشنواره معروفند- در نظر می‌آوریم، می‌بینیم که اوضاع از نظر آماری همواره چنین بوده و به همین میزان فیلم خوب و متوسط داشته‌ایم که یعنی تا بوده چنین بوده و به احتمال زیاد چنین هم بوده و به احتمال زیاد چنین هم خواهد بود!۱۱



گزارش «شهروند» در پایان جشنواره درباره فیلم‌هایی که فراتر از توقعات موجود عمل کردند

پدیده‌های جشنواره چه فیلم‌هایی بودند!؟

[شهروند] روز پایان جشنواره فرصتی خوب است برای فکرکردن و گفتن از ۱۰ روزی که با شور و شوق جشنواره را پشت سر گذاشته‌ایم. روزهایی با طعم فیلم و سینما؛ سرشار از احساس دیرینه فیلم دیدن در سالن‌های تاریک، روزهای عطر و بوی فیلم و داستان و هیجان و ماجراهای عاشقانه؛ ۱۰ روزی که پر بود از لذت کشف اتفاقاتی که پیش از جشنواره تصورش را هم نمی‌کردیم؛ پدیده‌هایی که از عدم سربرآوردند و درخشیدند و وجود خود را به رخ کشیدند و تاریخ ساختند. و همین‌ها هم هستند که سال‌ها بعد، وقتی داریم به روزهای جشنواره ۴۲ فکر می‌کنیم، به یاد خواهیم آورد.

از نظر کیفی بیراه نیست اگر بگوییم که دوره چهل و دوم جشنواره فیلم فجر نیز مثل دوره‌های گذشته بود. جشنواره‌ای با چهار- پنج فیلم خوب، چند فیلم متوسط و انبوه فیلم‌های بد و ضعیفی که حضورشان در جشنواره شگفت‌انگیز به نظر می‌رسید. به‌خصوص که گفته می‌شد این فیلم‌ها از بین صدوچند فیلم متقاضی حضور در جشنواره انتخاب شده‌اند و این ناامیدکننده بود که فیلم‌های حاضر در بخش رقابتی جشنواره را عصاره و چکیده بهترین‌های سینمای ایران در یک سال اخیر بدانیم. اما فارغ از این جوزدگی و نگرانی مقطعی؛ وقتی دیگر دوره‌های جشنواره -حتی آن دوره‌هایی را نیز که به بهترین دوره‌های تاریخ جشنواره معروفند- در نظر می‌آوریم، می‌بینیم که اوضاع از نظر آماری همواره چنین بوده و به همین میزان فیلم خوب و متوسط داشته‌ایم که یعنی تا بوده چنین بوده و به احتمال زیاد چنین هم خواهد بود! اما در یک مرور کلی، جشنواره چهل و دوم غافلگیری چندانی نداشت، یعنی فیلم‌هایی که فراتر از توقعات موجود و پیش‌دآوری‌های ذهنی عمل کنند که پیش از آغاز جشنواره درباره فیلم‌ها وجود داشت، در بین فیلم‌های امسال زیاد نبودند. با این حال، این به معنای بی‌ستاره‌بودن جشنواره امسال نیست و چندین و چند فیلم مختلف را می‌توان مثال آورد که بهتر از آنچه تصور می‌شد، عمل کرده و فراتر از انتظار ظاهر شدند و رضایت بیشتر مخاطبان را جلب کردند. آنچه در پی می‌آید، مروری است بر این چندین و چند فیلم که بیراه نیست اگر آنها را پدیده‌های جشنواره فجر امسال بنامیم. البته ذکر این نکته الزامی است که شانس‌های جشنواره محسوب می‌شدند و این مطلب بنا دارد به پدیده‌ها بپردازد. به فیلم‌هایی که امید موفقیت چندانی نداشتند، اما موفق شدند!

ظاهر؛ داستان شیرین عشق

در سانس پایانی روز اول جشنواره، در بین کسانی که می‌خواستند به تماشای این فیلم بروند، شاید حتی یک نفر هم نبود که فکر کند این فیلم در پایان جشنواره جزو لیست بهترین‌ها یا پدیده‌ها انتخاب خواهد شد. در واقع سروشکل «ظاهر» این تصور را ایجاد می‌کرد که با فیلمی ساده و شهرستانی مواجه‌ایم که برخلاف الگوی رایج فیلمسازی شهری، چندان در بند قصه‌گویی نیست؛ چیزی مثل فیلم‌های جشنواره‌ای یا حتی تله‌فیلم‌هایی که در دهه ۸۰ ساخته می‌شد. نتیجه اما چیزی غیر از این بود و «ظاهر» فیلمی شریف، داستانگو و سالم بود که در کنار تصاویر بدیعی که شاعرانگی بسیاری را برمی‌انگیخت، مخاطب را به‌راحتی جذب کرده و سبب شد «ظاهر» یکی از روان‌ترین آثار جشنواره نام گیرد.

تمساح‌خونی؛ تولد یک کارگردان!

بسیاری از بازیگران روی صندلی کارگردانی حتی نیمی از کاربزمای دوران بازیگری خود را نیز نشان نمی‌دهند. این انتظار برای فیلم «تمساح‌خونی» نیز وجود داشت و همین‌هم باعث شده بود در مورد «تمساح‌خونی» که به‌خاطر نام جواد عزتی بمب خبری بزرگی بود، تردیدهای زیادی وجود داشته باشد. اما فیلم خود چیز دیگری بود و نشان می‌داد که عزتی در نخستین تجربه فیلمسازی‌اش گام بلندی برداشته است. نتیجه این گام بلند یک کمدی فانتری خوش ریتم مانند «تمساح‌خونی» است که مخاطبش را درگیر داستان کرده و در کنار آن هم در اکثر لحایق می‌خنداند. این موفقیت باعث شده از الان بسیاری اتمساح‌خونی» را یکی از شانس‌های سینمای ایران در گیشه سال آینده بدانند.

قلب‌رقه؛ عشق در دل حادثه

ظاهر «قلب رقه» نشان از یک فیلم ارگانی بی‌جاذبیت و الکن داشت، اما فیلم خود یک اثر عاشقانه سرپا و خوش‌داستان است که توانسته با خلق تعلیق‌هایی درست مخاطب را تا انتها نسبت به ادامه داستان خود کنجکاو نگه دارد. این فیلم با اینکه داستانی فشرده دارد و جا برای نفس‌کشیدن تماشاگر باقی نگذاشته، اما چون از ریتم نمی‌افتد و روایت داستان و شخصیت‌هایش نیز رنگی از اغراق ندارد، مخاطب را در کمتر لحظاتی از روایت از دست می‌دهد. همین هم باعث شده «قلب رقه» یکی از معدود آثار سینمایی مقاومت باشد که به دور از خلأ بزرگ آثاری از این دست این توقع را ایجاد کرده که در اکران عمومی با موفقیت‌هایی مواجه خواهد شد.

آپاراتچی؛ شیرینی عشق

فیلم‌هایی که با محوریت سینما ساخته می‌شوند، عموماً تنها در خدمت عشاق سینما و دلسوختگان این صنعت هستند. فیلم‌هایی که شاید تنها برای عشق فیلم‌ها جذاب باشند و جز این، جذابیت چندانی برای مخاطب عام نداشته باشند. «آپاراتچی» اما هر دو طیف مخاطبان خود را راضی نگه می‌دارد. فیلمی طنز که با لحظات کمدی درست خود توانسته فضا و لحظاتی دوست‌داشتنی برای مخاطبانش فراهم آورد. در حقیقت؛ «آپاراتچی» نمونه بسیار خوبی برای یک فیلم شریف با شوخی‌هایی سالم و خانوادگی است که پتانسیل جذب مخاطب انبوه را نیز دارد.

معجزه پروین؛ داستان یک شاعر

وقتی نام این فیلم در بخش مسابقه جشنواره امسال منتشر شد، تصورها حول

یک تله‌فیلم کلیشه‌ای از روی زندگی پروین اعتماسی می‌چرخید، اما آنچه در این اثر دیدیم، یک پرتره جسورانه از زندگی این شاعره بزرگ کشورمان است. حسن مهم فیلم در آن است که از زاویه روایت نوینی برای ورود به این موضوع استفاده کرده‌است. همچنین فشرده‌گی داستانی برای مرور فرازهای مهم زندگی هنری پروین سبب پرمایه‌شدن روایت شده است. قرار دادن قطب‌های داستانی منفی برای یک فیلم پرتره، توجه به وجوه عاشقانه اثر، رسیدگی توامان به زندگی شخصی و ادبی پروین، در نظر گرفتن تقریباً تمام حوادث مهم سالیان آخر حیات، فضاسازی‌های شاعرانه و دستاویز قرار دادن شاخصه‌های حرفه‌ای در طراحی قهرمان از «معجزه پروین» فیلمی ساخته که بسیار فراتر از انتظارات عمل می‌کند.

نپتون؛ دغدغه‌های بزرگ و کوچک!

«نپتون» فیلمی درباره کودک و نوجوان است؛ درباره نقش و حضور آنها در خانواده و نوع برخورد والدین با آنها و البته با شناخت درستی که از کودکان و نوجوانان امروز دارد، ارتباط خوبی نیز با آنها برقرار می‌کند. با این حال، فیلم در این سطح متوقف نمی‌ماند و با شخصیت‌پردازی مناسب تقریباً تمام کاراکترهایش -به دور از اغراق‌های دراماتیک مرسوم آثاری از این دست- دغدغه‌های بزرگسالان را هم وارد روایت کرده و از قبل این درهم‌تنیدگی، روایتی ظریف و جذاب حاصل می‌آورد که به‌خوبی روی مخاطب تأثیر می‌گذارد. این طرافت‌های محتوایی و روایی سبب شده «نپتون» از یک فیلم صرفاً نوجوانانه خارج شده و تبدیل به فیلمی همه‌شمول شود که داستانش برای تمام طیف مخاطبانش جذابیت دارد.

پرویزخان؛ فریاد روح قهرمانی

این یک نکته بسیار مهم است که یک ارگان برای بیان وفاق ملی دوربین خود را از لوکیشن‌های کلیشه‌های این حوزه خارج کرده و به فضا‌های جدید ببرد. «پرویزخان» اگرچه می‌توانست طراحی روایی دیگری داشته باشد، اما با همین سروشکل نیز رضایت بسیاری را به دست آورده و توانسته ضمن مرور شیرین خاطرات برهه‌ای مهم در تاریخ فوتبال کشورمان، دست به نقدی اجتماعی از جامعه دهه ۶۰ کشور نیز بزند. این جریان خزنده نقد اجتماعی در کنار سجایای اخلاقی شخصیتی چون پرویز دهداری به موقعیت‌هایی ختم شده که جذابیت‌های زیادی برای مخاطب خواهد داشت. فیلم به‌خصوص در فصل پایانی -با تأکید بر پایان خوش- روح قهرمانی مستتر در ذات خود را فریاد کشیده و وجدان حماسی مخاطب را قلقلک می‌دهد. این رویکرد که باعث می‌شود مخاطب با خاطری خوش سینما را ترک کند، یکی از فاکتورهای موفقیت این فیلم می‌تواند باشد!